بيانات در ديدار مسؤولان بنياد شهيد و جمع كثيري از خانواده‌هاي معظم شهدا، اسرا و جانبازان - 13 /دي/ 1368

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
از خداوند متعال براي همه‌ي شما برادران و خواهران كه از نقاط مختلف و راههاي دور تشريف آورديد، لطف و فضل و توجهات خاص الهي را طلب مي‌كنم و اميدوارم مشمول عنايات مخصوص پروردگار و دعاي حضرت ولي‌عصر (عجل‌الله‌تعالي‌فرجه‌الشريف) باشيد و شخصا هم از همه‌ي شما متشكرم. جلسه‌ي معظم امروز ما، مخصوصا عطر و رايحه‌ي دل‌انگيز شهادت را هم با حضور خانواده‌هاي معظم شهيدان و هم با حضور جانبازان عزيز - كه ارزنده‌ترين يادگاريهاي دوران حماسه‌ي دفاع مقدس هستند - دارد.
ميان رفتار امروز مردم ما و آنچه از زندگي معصومين (عليهم‌السلام) براي ما روايت شده است، يك رابطه وجود دارد. هر چه كه در زندگي كوتاه معصومين (عليهم‌السلام) - چه نبي اكرم (صلي‌الله‌عليه‌واله‌وسلم) و چه فاطمه‌ي زهراي اطهر (سلام‌الله‌عليها) و چه ائمه‌ي دوازده‌گانه (سلام‌الله‌عليهم‌اجمعين) - به صورت درخشان و خيره كننده مشاهده مي‌شود، امروز رشحه‌يي از آن را در زندگي عمومي ملت بزرگمان به صورت واضحتر و در زمانهاي گذشته هم به صورت ضعيفتر مشاهده مي‌كنيم.
حالا اين روزها، روزهاي شهادت فاطمه‌ي‌زهرا (سلام‌الله‌عليها) است. آن بزرگوار از يك طرف، مظهر تعبد و تسليم در مقابل تكليف الهي و مظهر مجاهدت و شهادت مظلومانه است و از طرف ديگر، مظهر عظمت و شكوه و تنوير افكار عامه‌ي ملت اسلام در طول قرنهاست. شايد مي‌دانيد كه نام فاطمه‌ي‌زهرا (سلام‌الله‌عليها) در طول قرنهاي بعد از اسلام تا امروز، همواره براي ملتها و آحاد مسلمان، يك نام بسيار با عظمت و توأم با تجليل و تعظيم بوده است; در حالي كه اين بزرگوار، يك بانوي جوان و يا در عنفوان جواني بود. زندگي امروز ما، انعكاسي از زندگي سران الهي ما در صدر اسلام است; يعني همان تعبد و فداكاري و دلسوزي براي دين و همان اعتقاد و اخلاص به ارزشهاي ديني. البته، آنها اصل و سرچشمه‌اند و آنچه در جامعه‌ي ما هست، رشحه‌يي از آن چيزي است كه در آن بزرگواران بود. همين‌طور، آن عظمتي كه در آنها بود، در جامعه‌ي ما هم هست.
امروز، آحاد مردم ما در وجود خودشان داراي عظمتند. هيچ كس در جامعه‌ي اسلامي - اگر مؤمن به اسلام و انقلاب باشد - در درون خود احساس حقارت نمي‌كند. اين، پديده‌ي بسيار با عظمتي است. يك جامعه‌ي اسلامي، بايد همين طور باشد. دشمنان خواسته‌اند مسلمانان را از درون خودشان، دچار ضعف و احساس حقارت كنند. بعد از آن كه انقلاب اسلامي به وجود آمد و دنيا را متوجه خود كرد، به ميزان زيادي از حقارت ملتها كاسته شد. ملتهاي عقب افتاده و زير ستم كه احساس حقارت مي‌كردند، با انقلاب اسلامي قدري سرحال آمدند و احساس وجود كردند; چون ديدند كه اين انقلاب و اين ملت، چگونه توانست قويترين قدرتهاي دنيا را به هيچ بگيرد و قدرت او را خنثي كند و در ميدانهاي مصاف و مقابله، بر او پيروز بشود و فايق بيايد. اين را، هم ملتهاي بزرگ عالم و هم ملتهاي عقب‌افتاده و هم جهان سوميها ديدند و در آنها شوري به وجود آورد.
اين كه شما ملاحظه مي‌كنيد از ده سال پيش به اين طرف، ملتها با نامهاي مختلف، زنجيرها را مي‌گسلند و با مبارزه و تعرض و شيوه‌هاي آرام و شيوه‌هاي مخفي و شيوه‌هاي قدرتمندانه، همه كار انجام مي‌دهند، به بركت انقلاب اسلامي است. حالا ديگر نويسندگان مزدور قلم به مزد صهيونيست هم در دنيا مجبورند اعتراف كنند كه روزگار، روزگار ملتهاست; نه روزگار تصميم‌گيري خودسرانه‌ي قدرتها. اين، به بركت انقلاب اسلامي است. انقلاب اسلامي كه پيروز شد، ملتها زنده شدند و نشاط و اميد پيدا كردند. البته در گوشه و كنار، خيلي هم سركوب شدند و همه جا با موفقيت همراه نبود; اما مهم اين است كه اين شعله‌ي اميد در دلها برافروخته شد.
شقاوتي كه قدرتهاي استكباري در اين سالهاي اخير در نقاط مختلف عالم از خودشان نشان دادند، عكس‌العمل بيداري و شجاعت ملتهاست. وقتي ملتهاي تحقيرشده، غبار تحقير را از لباس خود مي‌تكانند و احساس تحقير را كناري مي‌اندازند و سرپا بلند مي‌شوند، قدرتهاي تحقيركننده مجبورند هواي خودشان را داشته باشند. ضربه بر آنها

وارد خواهد آمد و وارد آمد و بيشتر از اين هم مي‌آيد. در جوامع اسلامي، موج گرايش به اسلام انقلابي، يك موج زنده است; هيچ كارش هم نمي‌توانند بكنند. البته، سركوب و سختگيري مي‌كنند، تهمت مي‌زنند، رويشان اسم تروريست مي‌گذارند، ولو هيچ ارتباطي هم با جمهوري اسلامي نداشته باشند; ولي براي اين كه دو طرف را بكوبانند، اين ارتباط را ادعا مي‌كنند. اين كارها را دشمن مي‌كند; اما آن كاري را كه نمي‌تواند بكند، از بين بردن اين موج گرايش به اسلام انقلابي در ميان ملتهاست. اين كار را نمي‌توانند بكنند، نتوانستند و بعد از اين هم نخواهند توانست انجام بدهند.

يكي از چيزهايي كه در اين باره قابل توجه مي‌باشد، اين است كه روشهايي كه دولتها و قدرتهاي به اصطلاح متمدن، در مقابل امواج اراده‌ي انسانها بخرج مي‌دهند و شقاوتها و سنگدليهايي كه اعمال مي‌كنند ـ كه انسان حقيقتا شرمنده است اسم تمدن را روي اين روش قدرتهاي مسلط و ظالم امروز دنيا بگذارد ـ خود همين، ملتها را بيدار مي‌كند. بايد اينها را به گوش همه‌ي جهانيان رساند. مردم دنيا بايد بدانند كه امروز قدرتهاي بزرگ و قدرت استكباري امريكا، از چه روشهايي براي پيشبرد كارشان استفاده مي‌كنند. سردمداران امريكا، خيلي خونسرد آدم مي‌كشند، قتل‌عام مي‌كنند و به يك كشور ديگر تجاوز مي‌نمايند. آن كاري را كه امريكا در قديم به‌وسيله‌ي دستگاه اطلاعاتي خودش ـ سازمان سيا ـ مخفيانه انجام مي‌داد و كودتا درست مي‌كرد و دولتها را سرنگون مي‌نمود، امروز كارش به جايي رسيده كه ناچار شده است همين رفتار را علنا و صريحا انجام بدهد; يعني وارد كشورها بشود و دولتي را سرنگون كند!! ما كاري به كار آن دولتها نداريم. ما نه بطون كار آن اشخاص و دولتها را درست مي‌شناسيم و نه روش خيلي از اين دولتها را مي‌پسنديم. مسأله، مسأله‌ي ملتهاست. مسأله‌ي يك كشور و يك ملت است كه امريكا راحت و خونسرد به حقوق آنها تجاوز مي‌كند. اين، معناي قدرت استكباري است.

امروز بحمدالله و به توفيق الهي، با نشاطترين و سرزنده‌ترين و قويترين و شجاعترين ملتهاي دنيا، شما ملت ايران هستيد و اين را ملتهاي بزرگ دنيا قبول دارند و فهميده و پذيرفته‌اند. اين را براي خودتان حفظ كنيد. شهداي شما امروز در صدر لوحه‌ي افتخار در ميان ملتهايي هستند كه انقلاب ايران را مي‌شناسند و كم و بيش آگاهي دارند.

امروز، جانبازان شما نمونه‌هاي بزرگ افتخار و شجاعت و فداكاري و يادگارهاي دوران حماسه‌اند. امروز، خانواده‌هاي عزيز و عظيم‌الشأن شهداي شما كساني هستند كه همه‌ي منصفان عالم ـ كساني كه قضاياي ايران و انقلاب ايران را مي‌شناسند ـ آنها را با عظمت و بزرگوار و صبور و نيرومند به حساب مي‌آورند. اين را بايد شما حفظ كنيد. اين، به بركت اسلام و رهبري امام عظيم‌الشأن و به بركت وحدت كلمه‌ي شماست. اينها را براي خودتان نگه داريد. شيطانها بايد از نفوذ در افكار ملت ايران مأيوس شوند.

اميدواريم ان‌شاءالله هميشه مشمول لطف و فضل و كمك و اعانت الهي باشيد.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته